

پس از مرگ نابهنگام محمد چیزی نمانده بود که محصول کار سالیان دراز او یکسره بر باد رود. دو نفری که با انجام مانورهای اضطراری جاننشینی او را در دست گرفتند، یعنی ابوبکر و عمر – که دختران هر دوی آنان همسران پیامبر بودند – با آنکه صحابه درجه اول پیامبر شناخته میشدند، ولی هیچکدام آنها از قدرتی برابر با او برخوردار نبودند، زیرا این قدرت، بخلاف قدرت محمد، از منبعی مافوق بشری ناشی نمیشد. آنها نه پیغمبر بودند و نه وحی دریافت میداشتند، فقط میبایست آن قانونی را که محمد آورده بود اجرا کنند، بی آنکه حتی اختیاری بیش از دیگران در تغییر و تفسیر آنچه گفته شده بود داشته باشند.

مسئله اساسی و اولویت دار آنان، در مقام دو خلیفه اول و دوم، حفظ وحدت دستگاهی بود که توسط پیامبر بوجود آمده بود و با مرگ او موجودیت همه این دستگاه بدست اجزایی که پیش یا کم بر حسب اجبار بدان پیوسته بودند و اکنون خواهان بازگشت به استقلال خود بودند بخطر افتاده بود. راهی که پس از سرکوبی «رده» برای تضمین وحدت دستگاه خلافت وجود داشت فرستادن این قبایل به غنیمت گیریهای بزرگ برونمرزی بود. ولی اشکالی که در این مورد در کار بود این بود که چنین برنامه ای با سرمشقی که محمد در زمان زندگی خود داده بود جور در نیامد، زیرا پیامبر در آخرین سال زندگانش، نیروی جنگی بزرگی را که بسوی مرزهای شمالی سوق داده بود در داخل عربستان متوقف کرده و اجازه عبور از مرز را بدان نداده بود.

ابوبکر و عمر بی شک میدانستند که در آن سوی این مرزها دو امپراتوری بزرگ ایران و روم وجود دارند که پیوسته با یکدیگر در جدالند، ولی مسلماً حتی اندیشه نابودی آنها نیز بخاطرشان خطور نمیکرد. آنچه در ماهای و سالهای بعد چنین موضوعی را برای آنها مطرح کرد، آگاهی بر ضعف باور نکردنی این هر دو قدرتی بود که در طول سالها جنگ پیگیر تمام نیروی حیاتی خویش را بابت داده بودند، مضافاً بر اینکه هر کدام از آنها جز در جبهه جنگ با حریف اساسی خود، در مرزهای دیگرشان نیز با دشمنان کوچک و بزرگ دیگری دست بگریبان بودند، منتها هیچکدام از آنها تصور این را که روزی در مرزهای خودشان با بادیه نشینان عرب مورد حمله قرار گیرند نمیکردند. در چنین شرایطی وسعت و سرعت پیروزیهای عرب دیگر نمیتوانست معجزه ای به حساب آید. موفقیت این جهانگشایی که بدین ترتیب آغاز شد بیش از هر چیز به شرایط بسیار مساعد و به جاذبه غنیمت گیری مربوط میشد، و شور مذهبی در آن سهمی سومی داشت.

بن مایه : پس از هزار و چهارصد سال – دکتر شجاعالدین شفا

گردآورنده:
شاهین کویانی



<http://derafsh-kavivani.com/books/> /

derafish-kaviyani.com

